





# بیت‌های بارانی (۲)



گردآوری: قاسم صرافان

(اشعار و نوحه‌های فاطمیه ۹۴)



هیات رزمندگان اسلام  
معاونت فرهنگی

بیت های بارانی (۲)

(اشعار و نوحه های فاطمیه ۹۴)

گردآوری: قاسم صرافان

طراح جلد: امیر اکبرزاده

صفحه آرا: محسن بیگی

ناشر: هیات رزمندگان اسلام - معاونت فرهنگی

تیراژ: ۱۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۲۰۰

قطع: رقعی

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

فایل صوتی نوحه ها در لوح فشرده و سایت هیات رزمندگان اسلام:

[www.eHeyat.com](http://www.eHeyat.com)

ارتباط با مولف:

سایت: [www.GhasemSarrafan.com](http://www.GhasemSarrafan.com)

اینستاگرام: @Ghasem\_Sarrafan

## فهرست

- مقدمه ..... ۷
- بخش اول / شعرها ..... ۹
- هر چند غیر آه به بستر نداشتم / علی انسانی ..... ۱۱
- عرش زیر پای او مثل حصیر افتاده است / نوید اسماعیل زاده ..... ۱۳
- چه‌ها کرده این شهر با ما پس از تو / یوسف رحیمی ..... ۱۶
- عالمی سوخته از آتش آه من و توست / یوسف رحیمی ..... ۱۸
- ای از نگفته‌های حق آگاه فاطمه / غلامرضا سازگار (میثم) ..... ۱۹
- چرا مادر امشب پس از آن / محمد مهدی سیار ..... ۲۴
- غم نشسته بر در و دیوار خانه / محمد مهدی سیار ..... ۲۶
- ای تا همیشه مطلع الانوار لبخندت / سید جواد شرافت ..... ۲۸
- دستی به پهلو دار در و دستی به دیوار / سید جواد شرافت ..... ۳۱
- خواستم یاری کنم اما در آن غوغا نشد / قاسم صرافان ..... ۳۳
- سلام ای وجود تو ماه محمد / قاسم صرافان ..... ۳۵
- ای ز تو گردیده حرم محترم / حسین صیامی ..... ۳۸
- چنان‌که دست گدایی شبانه می‌لرزد / میلاد عرفان پور ..... ۴۲
- دیگر نبود فرصت راز و نیاز هم / احمد علوی ..... ۴۴
- باریده از چشم‌هایم باران اشکی که نم نم / احمد علوی ..... ۴۸
- نسیم از سر سجاده‌اش خبر می‌خواست / احمد علوی ..... ۵۱
- غصه بی انتهاست مادر جان / وحید قاسمی ..... ۵۳
- در خانه مانده عطر خوش ربنای تو / وحید قاسمی ..... ۵۵
- ای ماه! بگو راز گل یاسمنش را / محمد قولی میاب (کوثر) ..... ۵۷
- نداریم از سر خجلت زبان عذر خواهی را / جواد محمدزمانی ..... ۵۹
- آتش گرفته باغ و بهارم نمانده است / سید رضا مؤید ..... ۶۳
- بخش دوم / نوحه‌ها ..... ۶۵
- زمینه ..... ۶۷
- یوسف رحیمی ..... ۶۹
- امیر عباسی ..... ۸۵
- وحید قاسمی ..... ۸۷
- امیر عباسی ..... ۸۹
- پیمان طالبی ..... ۹۰

- ۹۳.....حسین صیامی
- ۹۵.....جواد الہی پور
- ۱۰۲.....سجاد عادل
- ۱۰۴.....اسماعیل شبرنگ
- ۱۰۷.....واحد
- ۱۰۹.....محمد مہدی سیار
- ۱۱۴.....میلاد عرفان پور
- ۱۱۶.....یوسف رحیمی
- ۱۳۶.....امیر عباسی
- ۱۴۰.....وحید قاسمی
- ۱۴۵.....پیمان طالبی
- ۱۵۱.....حسین صیامی
- ۱۵۳.....جواد الہی پور
- ۱۵۹.....شور
- ۱۶۱.....یوسف رحیمی
- ۱۶۸.....امیر عباسی
- ۱۷۲.....محسن مہدوی
- ۱۷۳.....پیمان طالبی
- ۱۷۷.....حسین صیامی
- ۱۸۰.....جواد الہی پور
- ۱۸۶.....اسماعیل شبرنگ
- ۱۸۹.....نوای پایانی
- ۱۹۱.....یوسف رحیمی
- ۱۹۴.....امیر عباسی
- ۱۹۶.....اسماعیل شبرنگ

## مقدمه

خوشا به حال آن قلم‌های آسمانی که «بیت‌های بارانی» را، این بار به عشق بانوی بی‌نشانی، نگاشتند. خوشا به حال آن قدم‌هایی که از اول این سیر شاعرانه با هم همقدم و همقسم شدند و خوشا به حال آن علم‌هایی که این روزها بر دوش مدافعان حرم‌ها، یادآور اولین شهیده دفاع از ولایتند. در دومین «بیت‌های بارانی» تلاش بر آن بود تا در ساحت شعر فاطمی - سلام الله علیها - با تاکید بر محتوایی پرغناتر، در دل مرثیه‌هایی رساتر، آثار جدیدی از خوبان شعر هیات، را در مجموعه‌ای شایسته گردآوری کنیم. باشد که گلچین گران‌سنگی از شعرها و نوحه‌ها در دسترس شاعران، مادحین و بی‌قراران «قرار دل حیدر»، قرار گیرد.

بی‌شک، فرازها، حاصل طبع بلند یاران من است و فرودها، از کاستی و قصور ذهن پریشان من. پس امید دارم بزرگان بر من ببخشایند و چون گذشته با نقد و نظر راه بر من بنمایند.

تشکر می‌کنم از مدیر محترم هیات رزمندگان اسلام، جناب آقای مداحی و معاون فرهنگی هیات، حجه‌الاسلام والمسلمین سفیدی امین، به نمایندگی از همه‌ی هم‌سنگرانم در هیات رزمندگان اسلام.

سپاسگزارم از آنانی که با قلم و قدم همراهیمان کردند. به ویژه از  
جواد هاشمی، «تربت» عزیز به خاطر لطف و نظرش.  
ممنونم از برادرانم امیر عباسی، مرتضی خلیلی، سیدمحمد حسینی پور  
و احسان غلام نژاد برای زحماتشان در آماده سازی صوتی نوحه‌ها و  
حسین صیامی عزیز بخاطر کمک‌هایش در بسیاری از مراحل تولید  
این مکتوبِ مصوّت.  
و اما ... چشم امیدمان تنها به نگاه مادرانه توست که این کم را به  
وسعت بی‌انتهای مهربانیت، از همه بپذیری.

بیت‌هایم بر در بیت تو زانو می‌زنند

شاعران تنها برای یک نظر، رو می‌زنند

قاسم صرافان

بهمن ماه ۹۴



بخش اول

شعرها



## علی انسانی

هر چند غیر آه به بستر نداشتم  
دردی به غیر غربت حیدر نداشتم

از کار من مپرس که دستاس شاهد است  
بر دست، غیر آبله دیگر نداشتم

اکنون دو سرو قد، دو برادر کنار توست  
من پشتوانه ای ز برادر نداشتم

دیگر برای ماندن مادر دعا مکن  
من هم، عروس گشتم و مادر نداشتم

مادر نداشتم که زدم فضه را صدا  
نزدیک تر از او به پس در نداشتم

از بعد کوچه کوچ پرستو شروع شد  
دیگر به لانه انس کبوتر نداشتم

با آنکه درد بود سراپای من ولی  
فکری به جز حمایت رهبر نداشتم

## نوید اسماعیل زاده

عرش زیر پای او مثل حصیر افتاده است  
رونق عشق است در دستانش از بس ساده است

نه فلک در گردش است از گردش دستاس او  
این‌که دستش بر سر دنیا است فوق العاده است

بعد پیغمبر چه بیعت‌ها که نشکستند خلق  
نان به نرخ روز خوردن سفره‌اش آماده است

دارد از پا در می آید بین سوز و تب ولی  
باز هم در عین بیماری سر سجاده است

□

با غم و اندوه و تب هر روز خلوت می کند  
یک دل سیر اشک می ریزد، عبادت می کند

خسته از زخم زبان ها، بیت الاحزان ساخته  
از غمش هر روز با پیغمبر شکایت می کند

تا مبدا خدشه ای بر دین حق وارد شود  
جان خود را هم شده، خرج ولایت می کند

یادشان رفته است او دردانه پیغمبر است؟  
هر کسی از راه می آید جسارت می کند

هرچه باران بر زمین می بارد از اندوه اوست  
مهر خود را با جهان با اشک قسمت می کند

□

روضه اما می رسد با چشم های تر به در  
وای از آن وقتی که زهرا می رسد آخر به در

طاقتش در پشت در هر بار کمتر می شود  
با لگد هر بار می کوبند محکم تر به در

یاس تا پر پر شود آیا لگد کافی نبود؟  
کاش می کردند فکر شعله را از سر به در

در نمی خواهد بگردد سمت او بر پاشنه  
نیست امیدی ولی با شعله آذر به در

روضه بیش از این نمی گویم، ولی نجار شهر  
کاش می کوبید یک مسمار کوچک تر به در

بر مداری گیج می گردد جهان تا روز حشر  
در هوای مدفن زهراست دنیا در به در

## یوسف رحیمی

چه‌ها کرده این شهر با ما پس از تو  
همه خوب بودند اما پس از تو...

ندارد خریدار آه غریبان  
شده کار مردم تماشا پس از تو

وصی تو را دست بستند آخر  
دگرگون شده رسم دنیا پس از تو



فدایش شدم با تمام وجودم  
ولی باز تنهاست مولا پس از تو

کسی غیر شیون، کسی غیر ناله  
نیامد به دیدار زهرا پس از تو

ببر دخترت را از این شهر غربت  
که خیری ندیدم ز دنیا پس از تو

دگر پای آتش به اینجا شده باز  
دلم غرق خون شد، مبادا پس از من...

## یوسف رحیمی

عالمی سوخته از آتش آه من و توست  
این در سوخته تا حشر گواه من و توست

غربتم را همه دیدند و تماشا کردند  
بی پناهی فقط انگار پناه من و توست

کوچه آن روز پر از دیده نامحرم بود  
همه روضه نهان بین نگاه من و توست

صورت نیلی تو از نفس انداخت مرا  
گرچه زهرای من این اول راه من و توست

آه از این شعله که خاموش نگردد دیگر  
آه از آن روز که بر نی سر ماه من و توست

## غلامرضا سازگار (میشم)

ای از نگفته‌های حق آگاه فاطمه  
سر خدات همدم و همراه فاطمه

داده ائمه را شرف و جاه فاطمه  
حجت به یازده حجج الله فاطمه

فرقان کبریایی و قرآن احمدی  
نه تو تمام وحی به قلب محمدی

ای کل دین خلاصه شده در ولای تو  
قرآن کتاب محکم مدح و ثنای تو

آغوش قرب ذات خداوند جای تو  
فرمود مصطفی که محمد فدای تو

سینای نور و نخله طور محمدی  
خورشید آفریده ز نور محمدی

قرآن دهد ندات که تو کوثر منی  
احمد شود فدات که تو دختر منی

هم دختر من استی و هم مادر منی  
نه تو خود من استی و تو حیدر منی

سوگند میخورم به خدا که خدا یکی  
نور تو و من و علی مرتضی یکی

حسن خداست دیدنی اما به روی تو  
و حی خداست در نفس مشکبوی تو

چشم چهار بانوی جنت به سوی تو  
دریای رحمت است نمی از سبوی تو

روح علی روان رسول است در تنت  
دست پیمبران الهی به دامت

تو مثل حمد ورد زبان محمدی  
توی عطر باغ جنان محمدی

تو گفتگو تو نطق و بیان محمدی  
احمد از آن تو، تو از آن محمدی

از بیت توست قدر و جلال امین و حی  
گهواره حسین تو بال امین و حی

کودختری که چون تو پدر پروری کند  
حتی به انبیای سلف مادری کند

حسن خدایش ز خدا دلبری کند  
بر سرور زمین و زمان سروری کند

دست تو گر نه دست خداوند سرمد است  
پس از چه بوسه گاه لبان محمد است

شیر خدا رهین ولایت مداریت  
عالم محیط مدرسه جان نثاریت

در گریه ذوالفقار شده اشک جاریت  
با اینکه در خطابه نکردند یاریت

فریاد تو شرار شد و سوخت سینه را  
لرزاند کوههای بلند مدینه را

کردند بی اجازه ز باب اللهت ورود  
آتش زدند بر در بیت الله و دود

آینه جمال خدا را گرفت دود  
جرمت مگر به غیر علی دوستی چه بود؟

حوراء الانسیه! به چه جرمی تو را زدند؟  
ای اولین شهیده مولا چرا زدند؟

بیت‌الغزای تو که سیه پوش دود شد  
سیلی نصیب طلعت غیب و شهود شد

نقض سفارشات محمد چه زود شد  
یک لحظه ماه روی محمد کبود شد

رویت مدال اجر رسالت گرفته بود  
دیدم رسول دست به صورت گرفته بود

جبریل کیست؟ مرغ لب بام فاطمه  
جان می‌دهد به قلب علی نام فاطمه

معراج انبیاست به هر گام فاطمه  
اسلام جان گرفت ز اسلام فاطمه

میثم همیشه فاطمه همراه حیدر است  
بر روی قبر مخفی او نام حیدر است

## محمد مهدی سیار

چرا مادر امشب پس از آن  
که همسایه ها را دعا کرد  
به نجوای «عجل وفاتی»  
به دل هایمان غصه آورد؟

چرا مادر امشب نگاهش  
نگاه خدا حافظی بود؟  
به موهای ما شانه می زد  
ولی دست او خسته شد زود

شنیدم که بابا چه می گفت  
به مادر به صد بیم و امید  
دلم ریخت وقتی که دیدم  
صدایش به یکباره لرزید:



کنار دل کودکان  
بمان لااقل مدتی چند  
بمان لااقل تا زمانی  
که از آب و گل در بیایند...

□

شب از نیمه هایش گذشته  
سکوت است و این شهر خاموش  
قدمهای لرزان مردی  
که بار غمی برده بر دوش

غمی آنچنان سخت و سنگین  
که بیش از توان علی بود  
نه تشییع تابوت زهرا  
که تشییع جان علی بود

به آوای «حزنی فسرمد»  
به نجوای «لیلی مُسهد»  
رسیده علی تا رساند  
امانت به دستان احمد...

## محمد مهدی سیار

غم نشسته بر در و دیوار خانه  
از سکوت بانوی بیمار خانه

این جهان داغی از این بدتر ندارد  
بدتر از بیماری مادر ندارد

مادری که مثل گل یکباره پژمرده  
پیش چشم کودکش تا زمین خورد

آه از باغی که مات شعله‌ها ماند  
غنچه یاسی که زیر دست و پا ماند

حرف رفتن می‌زنی طاقت ندارم  
بیقرار رفتنی و بیقرارم

جان من! ای کاش دست از جان مشویی  
دیگر این «عجل وفاتی» را مگویی

لا اقل دیگر تو از من رو مگردان  
رخ مپوشان، ماه خانه! رخ مپوشان

هم تو دلداری بده این بچه‌ها را  
هم نگاهی کن نگاه مرتضی را

## سید جواد شرافت

ای تا همیشه مطلع الانوار لبخندت  
آینه در آینه شد تکرار لبخندت

جان پدر را تا بهشتی غرق گل می برد  
در لحظه های روشن دیدار، لبخندت

لبریز بود از مادری لبریز چشمانت  
سرشار بود از عاشقی سرشار لبخندت

نه سال در دنیای حیدر صبح و ظهر و شب  
تکرار شد تکرار شد تکرار لبخندت

باگردش دستاس خیر و نور می‌باشید  
بر هر چه صحرا، هر چه گندمزار لبخندت

از روزهی بی نان و بی خرما چه شیرین تر  
وقتی که باشد لحظه‌ی افطار لبخندت

اما چرا این روزها دیگر نمی‌خندی  
اما چرا این روزهای تار لبخندت...

مثل گلی توفان زده، پژمرد، پرپر شد  
بعد از پدر بعد از در و دیوار لبخندت

این روزهای آخری یکبار خندیدی  
اما چه تلخ ست آه تلخ این بار لبخندت

با چشم‌های خسته تا تابوت را دیدی  
بر چشم‌های فضا شد آوار لبخندت



مادر جهان ما یتیمی عشق و احساس است  
قدری بخند ای مهربان بگذار لبخندت...

چادر نماز دخترم از یاس لبریز است  
تاییده بر این چادر گلدار لبخندت

## سید جواد شرافت

دستی به پهلو دارد و دستی به دیوار  
داده ست تکیه مادر هستی به دیوار

هر لحظه دردی تازه داغی تازه دارد  
در چشم خود غم‌های بی اندازه دارد

مثل شبی تیره ست دنیای مقابل  
تنها هلالی مانده از آن ماه کامل

گاهی که بر دیوار و در دارد نگاهی  
آهی به لب می‌آورد از درد آهی

لبریز از دردست اما غرق احساس  
دستی به پهلو دارد و دستی به دستاس

آه این نسیم با محبت، مادرانه  
دستی کشیده بر سر و بر روی خانه

شرمنده احساس او شد خانه داری  
با هر نفس آه از در و دیوار جاری

□

شب، نیمه شب خسته شکسته، مات، مبهوت  
دستی به سر می‌گیرد و دستی به تابوت

از خانه بیرون می‌رود ناباورانه  
جان خودش را می‌برد بر روی شانه

خورده گره با گرد غربت سرنوشتش  
در خاک پنهان می‌شود پنهان بهشتش

نفسی علی ... آه از دل پر درد او آه  
یا لیتها... آه از دل پر درد او آه

این روزها دستی به سمت ذوالفقار است



## قاسم صرافان

از زبان شاهد ماجرا امام حسن مجتبی (ع)

خواستم یاری کنم اما در آن غوغا نشد  
خواستم من هم بگیرم دست بابا را نشد

مادرم او را گرفت و تازیانه پشت هم،  
هی فرود آمد، ولی دستان مادر وا نشد

دست مادر آخرش واشد، نمی‌گویم چطور  
اینقدر گویم که زهرا دیگر آن زهرا نشد

من فقط می‌دانم آن روز و در آن کوچه، چه شد  
من فقط دیدم، چرا افتاد مادر، پا نشد

حال و روزش فکر می‌کردم که بهتر می‌شود  
هر چه ماندم منتظر، فردا و فرداها ... نشد

هر چه گشتم کوچه را، فردا و فرداها ... نبود  
هر چه گشتم گوشواره آخرش پیدا نشد

من عصای پیری مادر شدم در کودکی  
پیرِ هجده ساله، جز با تکیه بر من، پا نشد

آخرش خم شد به درگاه علی، ماه علی  
آری، آن قامت به جز در پای یکتا، تا نشد

تا که مادر رفت، انگار از پدر چیزی نماند  
در جهان هرگز امیری این قدر تنها نشد

پیش زینب بغضهایم در گلویم گیر کرد  
خواستم زاری کنم، پیش حسین، اما نشد

چشم امید یتیمان! چشم را وا کن بین  
نالهِ هم سهم یتیمان تو از دنیا نشد

خون نشد پاک آخرش از برگ لاله، هر چقدر  
ریخت بر دست علی آب روان، اسماء، نشد

## قاسم صرافان

سلام ای وجود تو ماه محمد  
سلام ای صدای تو آرام حیدر  
سلام ای تو محبوبه‌ی آسمان‌ها!  
سلامی از آبی دریا فراتر  
به تو دختر مهربان پیمبر

تو منظور واضح، از آیاتِ عصمت  
مراعات حق تو، اجرِ رسالت  
به دست تو هر روز زد بوسه احمد  
به پاخاست هر بار در پیش پایت  
تو راضیه‌ای و رضای خدایت  
گره خورده است از ازل با رضایت  
چه شد تا که باران شدی در مدینه؟  
مدینه پریشان شد از گریه‌هایت  
چه دیدی تو ای ماه خلوت گزیده؟  
که جا ماند در کوچه‌ها رد پایت

مدینه چه شهری است؟  
اینجا چه جایی است؟  
بگو دختر مهربان محمد  
بگو میوه‌ی قلب طاها! چه دیدی؟  
بگو بر سرت، یاس یاسین! چه آمد؟  
بگو فاطمه! مادر مهربانم  
بگو تا بگیریم  
بگو تا بدانم

تو هانیه، معصومه، ام ابیها  
تو راضیه، مرضیه، انسیه، حورا  
تو زهرا، تو زهرا، تو زهرا، تو زهرا  
در آن روز پیوندِ دریا به دریا  
علی کوثری شد  
تو گشتی، غدیری  
کنار خم از شوق، مستانه خواندی  
امیری علی و نعم الامیری

علی شد امیر دل بیقرارت  
شدی بی‌قرارش

امیری که بودی تو تنها سفیرش  
تو تنها سوارش  
اگر عالم از او بگردد  
تو هستی  
شکستند پیمان، تو اما نشستی  
به پای همان عهد و پیمان که بستی  
و عهد تو نشکست  
گر چه شکستی

تو گفתי شکستم، سر خُم سلامت  
تو گفתי علی جان! خیال تو راحت  
نخور غصه،  
با من، جواب سلامت

## حسین صیامی

ای ز تو گردیده حرم محترم  
ای نمک خوان تو جود و کرم  
نام تو را اول خط می برم  
نام تو را بردم و غم دور شد  
تا که نوشتم قلمم نور شد

راز محال است که افشا شود  
فاطمه جز فاطمه معنا شود  
شان وجودی تو حاشا شود  
ای به مقامات حیا خاتمه  
فاطمه ای فاطمه ای فاطمه

قلب زمین قلب زمان فاطمه  
قله نشین عرش مکان فاطمه  
بانی ایجاد جهان فاطمه  
هر چه در این ارض و سما آفرید  
از جلوات تو خدا آفرید

آمده‌ام باز... گدای توام  
منتظر جود و سخای توام  
گفت پیمبر به فدای توام  
باز هم این گشته سوالم ز خود  
فاطمه بضعه منی چه شد؟

آتش افتاده به جان در است  
در دلشان دشمنی حیدر است  
کینه بدر و احد و خیبر است  
طعنه به آیات خدا می‌زدند  
«در وسط کوچه تو را می‌زدند»

آتشی افتاده بر این چشم تر  
تیشه از این قصه ندارد خبر  
سینه گل تاب ندارد دگر  
فاطمه بین در و دیوار بود  
هر چه کشیدیم ز مسمار بود

چشم به چشمان علی دوختی  
پیش علی شعله برافروختی  
کاش نمی دید که میسوختی  
زهر شد از داغ تو دنیای من  
«میخ در و سینه زهرای من»

زنده یک نیم نگاه توایم  
تا ابد تحت پناه توایم  
فاطمه جان شیعه راه توایم  
تاج ولای تو به روی سرم  
راه شما چیست؟ دفاع از حرم



از کرم‌ت غرق سعادت شدن  
راهی میدان شهادت شدن  
زنده شدن کشته غیرت شدن  
حین دفاع از حرم دخترت  
خونم اگر ریخت فدای سرت

## میلاَد عرفان پور

چنان که دست گدایی شبانه می لرزد  
دلَم برای تو با هر بهانه می لرزد

هنوز کوچه به کوچه ، حکایت از مردی ست  
که دستِ بسته ی او عاشقانه می لرزد

چه رفته است به دیوار و در که تا امروز  
به نام تو در و دیوار خانه می لرزد

چه دیده در که پیایی به سینه می‌کوبد؟  
چه کرده شعله که با هر زبانه می‌لرزد؟

هنوز از آن چه گذشته است بر در و دیوار  
به خانه چند دلِ کودکانه می‌لرزد

دگر نشان مزار تو را نخواهم خواست  
که در جواب، زمین و زمانه می‌لرزد

ز من شکیب مجو، کوه صبر اگر باشم  
همین که نام تو آرند شانه می‌لرزد

## احمد علوی

دیگر نبود فرصت راز و نیاز هم  
حتی شکسته بود دل جا نماز هم  
در هم شکست پنجره‌ی نیمه باز هم  
تا از شما اجازه بگیرم که باز هم

با شعر بال و پر بزنم در هوایتان  
مادر! اجازه هست بمیرم برایتان

تا گرگ‌های برّه نما محترم شدند  
مردان مرد در صف پیکار کم شدند  
در دوری از مسیر علی هم قسم شدند  
چون بی اجازه وارد صحن حرم شدند

دیوار و در حجاب شما شد که ناگهان  
یک رشته کوه با عظمت را کشان کشان

از کوجه‌های حادثه بردند بیقرار  
می سوخت در هجوم خزان قامت بهار  
یک چشم سوی مسجد و یک چشم سوی یار  
افتاده بود از نفس انگار ذوالفقار

داغت اگر که بر دل مولا نمی‌نشست  
شاید که ذوالفقار هم از پا نمی‌نشست

بعد از تو شهر آینه‌ها رو سیاه ماند  
یک عمر گریه‌های علی ماند و چاه ماند  
از بس بساط بی کسی اش رو به راه ماند  
نهج البلاغه ماند و دعا ماند و آه ماند

دریای درد در دل نهج البلاغه است  
داغ تو شرح کامل نهج البلاغه است

این رد پای کوچ پرستوست در بقیع  
شب گریه‌های لاله‌ی شب بوست در بقیع  
حالا چقدر حرف دو پهلوست در بقیع  
از هر چه بگذری سخن اوست در بقیع

پهلوی دردهای تو دنیا چه کوچک است  
با آن همه شکوه تماشا چه کوچک است

احساس می‌کنم که همیشه محرم است  
با سیل اشک فاصله‌ام با شما کم است  
حتی میان سفره به جای نمک، غم است  
گویا عزای مادر گل‌های عالم است

حبل‌المتین که رشته‌ای از چادر شماست  
فرهنگ نا نوشته‌ای از چادر شماست

شاعر بیا و با همه‌ی بیش و کم بساز  
با استخوان خرد و شکسته قلم بساز  
با اشک و آه و تربت او یک حرم بساز  
ترکیب بند تازه تر از محتشم بساز

تا در بهار روضه‌ی او زنده‌ات کنند  
در دشت‌های تشنه پراکنده‌ات کند

## احمد علوی

باریده از چشم‌هایم باران اشکی که نم نم  
شد آبشاری پریشان، رودی که پاشیده از هم

زهرای من بی تو دنیا، غربت سرای بزرگی است  
آبی ندارد به جز داغ، نانی ندارد به جز غم

بر سفره ساده ما، جز آب و نان و نمک نیست  
ای روزی کل هستی، بر خوان لطفت فراهم!



ای قدر تو بی کرانه، ای جایگاه تو والا  
در چشمه سار احادیث، در نصّ آیات محکم

مدیون لطف تو حوا، مرثیه خوان تو هاجر  
محو دعای تو زینب، چشم انتظار تو مریم

طعم نگاه تو والتین، الحمد و طاهها و یاسین  
آب وضوی تو تسنیم، اشک زلال تو زمزم

تسبیح و ذکر مدامت، گلوآژه‌های کلامت  
تصویر نوری مداوم، معنای فیضی دمام

ذکر لبم «ان یکاد» است، چشم بد اینجا زیاد است  
دلواپسم که مبادا یک تار مو از سرت کم

آه ای پرستوی زخمی! بر اهل این خانه رحمی  
این خانه می‌ریزد از پی، این جمع می‌پاشد از هم

تصویر آن روز کوچه، بگذار در پرده باشد  
طلاقت ندارم بگویم از روضه‌های مجسم

روزی که در یاری از دین، دنبال من می‌دویدی  
با حال و روزی پریشان، با گام‌های مصمم

باید که پنهان بماند، از چشم دنیا مزارت  
باید که مخفی بماند، قدر تو قدر مسلم

شکر خدا دردمندیم شکر خدا داغداریم  
در غربت فاطمیه در روزهای محرم

یا فاطمه اشفعی لی، یا فاطمه اشفعی لی  
یا فاطمه اشفعی لی، یا فاطمه در دو عالم

## احمد علوی

نسیم از سر سجاده‌اش خبر می‌خواست  
برای رد شدن از عرش بال و پر می‌خواست

زمانه مادر ما را که یک جهان غم داشت  
شکسته بود و از این هم شکسته‌تر می‌خواست

سرور قلب پیمبر مگر گناهی داشت  
تن لطیف‌ترین گل مگر تبر می‌خواست؟

قسم به غربت مولا تصورش سخت است  
که او مقابل بیش از چهل نفر می خواست

علی شناس نبودند پس نفهمیدند  
که شهر علم علی بود و شهر در می خواست

خوشا به حال کسی که به او نظر می کرد  
خوشا به حال کسی که از او نظر می خواست

حسین حال و هوایی شبیه زینب داشت  
حسن غریب و نجیبانه از پدر می خواست

برای غربت مادر بلند گریه کند  
برای غربت مادر که تا سحر می خواست...

برای غربت همسایه ها دعا بکند  
ولی برای خودش عمر مختصر می خواست

ردیف شعر به پا خاست چون که دید چقدر  
به احترام علی می نشست و بر می خاست

## وحید قاسمی

غصه بی انتهاست مادر جان  
آه قبرت کجاست مادر جان!؟

شرح این درد را توانی نیست  
از مزارت چرا نشانی نیست!؟

حَقَّت این نیست بی حرم باشی  
حسرت دیده‌ی ترم باشی

حقت این است محترم باشی  
صاحب بهترین حرم باشی

گنبدی پُر فروغ می خواهی  
صحن های شلوغ می خواهی

کاش قانون عشق حاکم بود  
جای هر شرطه چند خادم بود

شرطه های مدینه بد بین اند  
دلشان سنگ و دست سنگین اند

کارشان بی گناه را زدن است  
زائر بی پناه را زدن است

حرف زخم است و استخوان مادر  
بشکند دست هایشان مادر

## وحید قاسمی

در خانه مانده عطر خوشِ ربنای تو  
امروز زنده‌ام به هوایِ دعای تو

همسایه‌ها به مجلسِ ختمت نیامدند  
من بودم و همین دو سه تا بچه‌های تو

خیلی به مجتبایِ تو بر خورد فاطمه!  
فامیل کم گذاشت برای عزای تو

جایِ تمامِ شهرِ خودم گریه می‌کنم  
از بس که خالی ست در این خانه جای تو

زهرامرا ببخش که نگذاشت غریبم  
یک ختم با شُکوه بگیرم برای تو

از دستِ گریه‌های تو راحت شد این محل  
شُکوه نمی‌کنند به من از صدایِ تو

دیگر به تیغِ فتنه‌ی کوفه نیاز نیست  
خونِ مرا نوشته مدینه به پای تو



### محمد قولی میاب (کوثر)

ای ماه! بگو راز گل یاسمنش را  
تا وا نکند از تن گل، پیرهنش را

هان! ای ملک! از آب بهشتی به گل افشان  
تا غسل دهد یاس کبود چمنش را

هان! ای ملک! این طاهره، خود حور بهشتی است  
با حله‌ای از نور بپوشان بدنش را

این درد کمی نیست که خورشید ولایت  
شب دفن کند نیمه‌ی بی‌جان تنش را

کر بود مگر شهر؟ که دریای بلاغت  
با چاه بگوید ز غریبی، سخنش را

آن چاه چه می‌کرد ز غم‌ناله‌ی مولا؟  
با سنگی اگر قفل نمی‌زد دهنش را

ای مونس غم‌های علی! بعد تو مولا  
پیش که برد؟ سینه‌ی بیت‌ال‌حزنش را

امروز در این غم‌کده، غوغای غریبی است  
همراه خود آورد، حسین و حسنش را

بگذار گل و راز دلش بسته بماند  
تا منجی عالم بنماید وطنش را

هر چند مرا عمر بقا نیست ولیکن  
حس می‌کنم از بوی سحر، آمدنش را

«کوثر»! جگرم سوخت ز مظلومی زهرا  
زین بیش مگو قصه‌ی درد و محنش را

## جواد محمدزمانی

نداریم از سر خجالت زبان عذرخواهی را  
کدامین توبه خواهد برد از ما روسیاهی را؟  
ندیدم غیر تلخی در زبان با شکوه واکردن  
شکرها در دهان دیدم شکوه شکرخواهی را  
نمی‌خواهند خوبان جز فقیری نعمتی از او  
گدایان خوب می‌دانند قدر پادشاهی را  
کجا جز سادگی نقشی پذیرد چهره زردم  
قلم یار مرکب نیست کاغذهای گاهی را  
بهار آمد، جهان دست و ترنج از هم نمی‌داند  
گواهی می‌دهد هر حسن یوسف بی‌گناهی را

بهار آموزگار وعده «يُدرِكُكمُ الموت» است  
دلا آماده شو آن لحظه‌ی خواهی، نخواهی را  
چه فهمد تیره روز از «يُخرجُ الحَيَّ مِنَ المَيِّتِ»؟  
چه داند شب پرست، آهنگ باد صبحگاهی را؟  
کجا در پیش خصم اظهار عجز از ابرومندی است؟  
دلا از لوح سینه پاک کن اوهام واهی را  
من از دریای شورانگیز معنی عذر می خواهم  
که در تنگ غزل محبوس کردم شوق ماهی را

قلم از خرمن اشراق امشب خوشه چین آمد  
که وقت مدح آن بانوی معنی آفرین آمد

چه بانویی که هر شب سفره اشک است مهمانش  
همه کروبیان در عرش مبهوت چراغانش  
هزاران باغ عطرآگین به فطرت در وجود آمد  
ز گلهای فضیلت پرور طرف گلستانش  
چه پلکی زد که مبهوتش زمین صد رنگ را گل کرد  
صد آینه تمام آسمانها گشت حیرانش  
چه خورشیدی که چون خورشید محشر سایه اندازد  
تمام آفرینش دست می یازد به دامانش

شکفته باغ بینش در جوار چشمه نورش  
نشسته آفرینش در کنار سفره نانش  
خدا فرمود تا هجده سحر مهمان ما باشد  
فرشته خلقتی که خلق می پندارد انسانش  
اگر شعب ایطالب، اگر غصب فدک باشد  
محال است آری آری، بگذرد از عهد و پیمان‌ش  
نمی سازند با سازش هواداران راه او  
گواه من وصیت نامه سرخ شهیدانش  
مدینه، گرچه قبرش را نشان کس نخواهد داد  
زیارت نامه می خواند کنار قبر پنهانش

همان قبری که از تشییع پنهانی خبر دارد  
از اندوه علی از دل پریشانی خبر دارد

چه اندوهی که شب خالی ز عطر یاس و شب بو شد  
زمان یکسر بدآهنگ و زمین یکباره بدخو شد  
من از «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ» در شهر می گفتم  
نمی دانم چرا در پشت این خانه هیاهو شد  
نمی دانم چه در شهر مدینه اتفاق افتاد  
که هر شب ناله «عجل وفاتی» سهم بانو شد

چه خوابی؟ تا سحر پهلوی به پهلوی می شود اما  
مگر با درد پهلوی می توان پهلوی به پهلوی شد؟  
دلش می خواست دست و بازویش وقف علی باشد  
غلاف تیغ اما میهمان دست و بازو شد  
همه دیدند دست او دگر بالا نمی آمد  
به هر زحمت ولی در روز آخر خانه جارو شد  
همان دستی که دلهای یتیمان را به دست آورد  
همان که شانه شوق پریشان باغ گیسو شد  
همان دستی که بعد از غسل بیرون از کفن آمد  
یتیمان را در آغوشش گرفت و خوب دلجو شد  
چه خوش آن شب مصفا کرد باغ مهربانی را  
چه زیبا ریخت در پای علی نقد جوانی را

### سید رضا مؤید

آتش گرفته باغ و بهارم نمانده است  
جز چند یاس خسته، کنارم نمانده است

جز چند قطره اشک و به جز چند شعله آه  
چیزی دگر ز دار و ندارم نمانده است

بی ماه روی احمد و بی آفتاب و حی  
در روزگار جز شب تارم نمانده است

دیگر ز فیض قبر پدر نیز مانده‌ام  
کآن صبر و تاب یک ز هزارم نمانده است

چون مادرم خدیجه مرا وا گذاشتند  
هم صحبتی ز اهل دیارم نمانده است

بی اختیار گریه کنم گر شبانه روز  
از درد دست و سینه، قرارم نمانده است

خوانم نماز نافله‌ی شب ولی ز درد  
دستی که بر قنوت برآرم، نمانده است



بخش دوم

نوحه‌ها

(فایل صوتی نوحه‌ها در لوح فشرده و سایت هیات رزمندگان اسلام: [www.eHeyat.com](http://www.eHeyat.com))



زمینه



## یوسف رحیمی

ای شهید کوچه‌ها  
دل پر از غم علی، شد مُحَرَّم علی

فاطمیه اومد و، در به در شدم برات  
غرق اشک و ناله‌ام، عمریه تو روضه‌ها

یا فاطمه، دل ماست غرق عزا  
یا فاطمه، ای شهید کوچه‌ها

□

فاطمیهٔ غمه، اشکامون دمادمه

از غریبی علی، روضه‌ها شنیده ایم  
ما هنوز عزادار، یاسی قد خمیده ایم

یا فاطمه، غم تو بی انتها  
یا فاطمه، ای شهید کوچه‌ها

□

تو شبای غربتت، بوی یاس تربت

می بره دل منو، تا بقیع درد و داغ  
نه رواق و گنبدی، نه یه شمع و یه چراغ

یا فاطمه، مادر صبر و صفا  
یا فاطمه، ای شهید کوجه‌ها

□

ای حبیبۀ خدا، می دونم از ابتدا

داده آبرو به من، ذره پروری تو  
جا گرفته تو دلم، مهر مادری تو

یا فاطمه، مادر اهل ولا  
یا فاطمه، ای شهید کوجه‌ها

□

مادرم سپرد منو، از اون ابتدا به تو

هر جا می خورم زمین، تو می گیری دست من  
دستمو رها نکن، ای تمام هست من

یا فاطمه، مادر مهر و وفا  
یا فاطمه، ای شهید کوجه‌ها  
□

هر کی با ولایت، غرق در سعادت

سربلنده هر کسی، که بمونه با علی  
روی قلبم از ازل، تو نوشتی یا علی

یا فاطمه، فدایی مرتضی  
یا فاطمه، ای شهید کوجه‌ها  
□

توی روضه‌های تو، تنها با دعای تو

از قدیم آشنا، من با نور عین تو  
عمریه شده همه، زندگیم حسین تو

یا فاطمه، بده رزق کربلا  
یا فاطمه، ای شهید کوجه‌ها

□

روزی از همین روزا، حاجتا می شه روا

مهدی تو می رسه، با شکوه مرتضی  
می بینیم روزی رو که، مرقدت می شه به پا

یا فاطمه، مادر صاحب عزا

یا فاطمه، ای شهید کوجه ها

□

زنده تو دلای ما، یاد سرخ لاله ها

پر زدن تا آسمون، لاله های بی نشون  
در دفاع از حرم، ایستادن تا پای جون

یا فاطمه، تویی اُمُّ الشُّهَدَا

یا فاطمه، ای شهید کوجه ها



## یوسف رحیمی

شده در تو خلاصه حسن خلقت  
شده روشن ز نورت عرش و جنت  
گل یاس بهشت مصطفایی  
دلت گنجینهٔ سرّ نبوت

ای سورهٔ قدر خدا، ای مصحف جود و سخا

«یا فاطمه، یا فاطمه»



دلم دارد هوای فاطمیه  
شده ماتم سرای فاطمیه  
تو می‌دانی دلم جا مانده مادر  
میان کوجه‌های فاطمیه

با یاد تو با اشکِ غم، در هر تپش گوید دلم:

«یا فاطمه، یا فاطمه»

□

شده شهر مدینه سرد و خاموش  
شده از داغ پیغمبر عزاپوش  
ولی آتش زده این غم به جانت  
به این زودی شده حقش فراموش

از این دیار رفته وفا، شد آنچنان حقش ادا

«یا فاطمه، یا فاطمه»

□

به یاد غربتت شام و سحرگاه  
دلَم غرق غم و لبها پر از آه  
به امید ظهور آفتاب  
شبیهِ تو نگاهم مانده بر راه

آن سورهٔ عشق و امید، یک جمعه صبح خواهد رسید

«مهدی بیا، مهدی بیا»

## یوسف رحیمی

شکوه تو فراتر از بیان‌ها  
نگاهت روشنایی بخش جان‌ها  
به لطف سجده‌هایت هر سحرگاه  
شده روشن تمام آسمان‌ها

بی ابتدا، بی انتها، زهرا ترین نور خدا

«یا فاطمه، یا فاطمه»



زمین و آسمان‌ها در مدارت  
تویی تو کوثر پروردگارت  
فدک که جای خود ای مادر عشق  
زمام عالمی در اختیارت

در روز حشر «خورشید ما!»، باشد به تو امید ما

«یا فاطمه، یا فاطمه»

□

پریشان از وفای روزگاری  
به غیر از اشک و غم یاری نداری  
فقط شد از فدک سهم تو سیلی  
میان کوچه‌های بی قراری

بر زخم دل می زد نمک، داغ فدک، داغ فدک

«واویلتا، واویلتا»

□

عجب دریا دل و بشکوه رفتند  
چه با غیرت شبیه کوه رفتند  
برای انتقام سیلی تو  
بین با پهلوی مجروح رفتند

ای شور تو در ناله‌ها، ای مادر آلاله‌ها

«یا فاطمه، یا فاطمه»

## یوسف رحیمی

صفای خانه تو جاودانی  
سراسر عشق و شور و مهربانی  
ملائک روز و شب گرم طوافند  
به دور این بهشت آسمانی

کاشانه‌ات بیت ولاست، صحن بهشت، عرش خداست

«یا فاطمه، یا فاطمه»

□

شده غوغا به پا اطراف خانه  
کشیده آتش از هر سو زبانه  
شده مرثیه خوان مادر ما  
صدای ناله‌های تازیانه

ماه نبی نیلی شده؟ یا مرهمش سیلی شده؟

«یا فاطمه، یا فاطمه»



همه بودند سرگرم تماشا  
که حق این گونه تنها ماند تنها  
کسی غیر از غم و اندوه و غربت  
نیامد تا که باشد یار زهرا

چشم ترش شد شعله ور، همناله اش دیوار و در

«یا فاطمه، یا فاطمه»



اگر چه غربت تو بی کران است  
ولی راهت فراتر از زمان است  
میان امتحان‌ها سربلندیم  
که نورت چلچراغ راهمان است

این نهضت از لطفت به پاست، یاریِ حق آئین ماست

«یا فاطمه، یا فاطمه»

## یوسف رحیمی

کسی که گفته نورت منجلی نیست  
نصیب او به جز بی حاصلی نیست  
برای مدح تو بانو، همین بس  
که هم کفوی برایت جز علی نیست

روح نبی، نور خدا، جان علی، خیر النساء

«یا فاطمه، یا فاطمه»

□

اگر که بسته شد دستان مولا  
اگر که در مدینه ماند تنها  
ولی با پهلوی مچ‌روح آمد  
به یاری علی ام ابیها

جان می دهد پای ولی، زهرا شده یار علی

«یار علی، یا فاطمه»



دلیرانه، صریح و منجلی گفت  
از اسرار حمایت از ولی گفت  
نفس در سینه‌اش یاری نمی‌کرد  
ولی تا آخرین دم یا علی گفت

احیا شده دین خدا، با خون او در کوچه‌ها

«یار علی، یا فاطمه»



به سر داریم تا شور شهادت  
همه هستیم حامی ولایت  
به لطف حضرت صدیقه باقی‌ست  
همیشه راه سرخ استقامت

بر دوش ماست تا این علم، جان‌های ماست نذر حرم

«زینب مدد، زینب مدد»



## یوسف رحیمی

تو در جود و کرم هستی طلیعه  
تویی در هر زمان امید شیعه  
در آن غوغایِ وانفسایِ محشر  
بگیر این دست‌ها را ای شفیعه

بر دست تو چشمان ماست، دستان تو مشکل گشاست

«یا فاطمه، یا فاطمه»

□

دلی آشفته داری از زمانه  
شده خون دل از چشمت روانه  
شده ذکر لبث «عجل وفاتی»  
امان از این دعا‌های شبانه

جان علی تنها مرو، زهرا مرو زهرا مرو

«زهرا مرو، زهرا مرو»



شده دنیایم از این غم مکدر  
شدی خانه نشین بعد از پیمبر  
ولی کاری ز دستم بر نیامد  
حلالم کن علی جان شام آخر

ای وای من، ای وای من، شرمندهام مولای من

«مظلوم علی، مظلوم علی»



به حق آن غم و آن آه سوزان  
به حق اشک چشمان یتیمان  
تو ای بانای ایشار و شهادت  
شهادت را نصیب ما بگردان

جا مانده‌ام از قافله، کشته مرا این فاصله

«یا فاطمه، یا فاطمه»

## یوسف رحیمی

فدای غربت بی انتهایت  
دل ما شیعیان صحن و سرایت  
برای دیدن آن قبر خاکی  
دلی آواره دارم در هوایت

ای در کرم بی خاتمه، روی لبم این زمزمه:

«یا فاطمه، یا فاطمه»



نگاهی کن به اشک جاری من  
به این تنهایی و بی یاری من  
بمیرم می روی با صد نشانه  
امان از این امانتداری من

داغت شکست پشتِ مرا، اندوه تو کشته مرا

«یا فاطمه، یا فاطمه»



خروش ناله و آه تو باقی ست  
دعاهای سحرگاه تو باقی ست  
غریبانه اگر چه رفتی آن روز  
ولی تا به ابد راه تو باقی ست

ای مادر صبر و وفا، ای راه تو راه خدا

«یا فاطمه، یا فاطمه»



قیام تو که همچون آفتاب است  
چراغ روشن این انقلاب است  
خروش بی نظیر نهضت ما  
برای اهل دنیا فتح باب است

این نور توست که جاری است، این مطلع بیداری است

«یا فاطمه، یا فاطمه»

## امیر عباسی

بین به کوچه باغ دل، گل‌های پرپر رو، گل‌های پرپر رو  
خاطره‌ی صورت تو می‌کشه حیدر رو، می‌کشه حیدر رو

یادم نمیره هیچ وقت، رفتی و بی بهونه  
با روی سیلی خورده، برگشته‌ای به خونه

یا فاطمه یا زهرا...

زبان حال حضرت زهرا (س)

با تازیانه زد به من، اون دشمن پستت، اون دشمن پستت

دستم شکست ولی طناب، وانشد از دستت، وانشد از دستت

فداییِ امام و، قرآن و دین شدم من  
به پیش نامحرما، نقش زمین شدم من

مظلوم علی علی جان...

زبان حال حضرت زینب (س)

براشفا گرفتنت، ای نور افلاکی، ای نور افلاکی  
نماز حاجت می خونم، با چادر خاکی، با چادر خاکی

الهی ای که تو بر، محنت و غم اسیری  
خوب بشی و دوباره، من و بغل بگیری

ای مادر جوونم، جوونِ قد کمونم...

وصیت حضرت زهرا سلام الله علیها

برای درد غربتت، دلخون و مغمومم، دلخون و مغمومم  
فاطمه رو حلال کن ای امامِ مظلومم، امامِ مظلومم

گریه کن ای علی جان، برای نور عینم  
غریب کربلایی، غرقه به خون حسینم

مظلوم حسین حسین جان...

## وحید قاسمی

چطور دلت او مدبری، فاطمه تنهام بذاری!  
رفیقِ روز غربتم، قرار نبود جام بذاری!

باور نمی‌کنم هنوز، بدون من رفتی سفر  
پرستوی مهاجرم، علی رو با خودت ببر

« دلِ علی بی تو می‌گیره ۲ الهی که برات بمیره ۲ »

حالا علی چیکار کنه؟، با این یتیم فاطمه  
تنهاتر از همیشه‌ام، تنهائیِ تنها فاطمه

باید که اشک و بغضم، زندونی گلوم کنم  
زهرایا بگو چطور، زینتِ آروم کنم؟

« دلِ علی بی تو می‌گیره ۲ الهی که برات بمیره ۲ »

سجاده دلتنگِ واسه، عطر خوش نیایش  
یه تار موت یادگاری، جا مونده رویِ بالشت

دیوار داره با شونه‌هام، یکسره هق هق می‌کنه  
یه کاری کن تورو خدا، حسن داره دق می‌کنه

« دلِ علی بی تو می‌گیره ۲ الهی که برات بمیره ۲ »

خواست خداست که خونمون، محشر کبری همیشه  
از سرِ جانماز تو، طفلی حسین پا همیشه

چادر خاکیتُ چطور، از سرِ زینب بردارم؟  
تو کوچه می‌دونم چی شد؟، فاطمه جان خبر دارم

« دلِ علی بی تو می‌گیره ۲ الهی که برات بمیره ۲ »

زهره همیشه هی می‌خوام، بگم برات کم از حسن  
گوشواره‌ی شکست رو، چطور بگیرم از حسن؟

زهره فقط میخ‌در، که دیده نمناک همیشه  
لکه‌ی خونِ پشت در، چیکار کنم پاک همیشه!؟

« دلِ علی بی تو می‌گیره ۲ الهی که برات بمیره ۲ »



### امیر عباسی

ابدی ازلی زهرا زهرا، فداییِ علی زهرا زهرا، آه آه  
تویی نورِ هدی، عصمتِ خدا، ای مادرِ حسین شاهِ شهدا، انسیه الحورا  
صدیقه‌ی کبری یا زهرا یا زهرا...

با قدِ خمیده زهرا زهرا، تو شدی شهیده زهرا زهرا  
به درد و مصیبت مبتلا شدی، به راه ولایت تو فدا شدی، زکینه‌ی اعدا  
صدیقه‌ی کبری یا زهرا یا زهرا...

بی قرار حسین زهرا زهرا، غصه دارِ حسین زهرا زهرا  
دل سینه زنا غرقِ شرره، تویی نوحه خونِ جسم بی سر، شهید عاشورا  
صدیقه‌ی کبری یا زهرا یا زهرا...

## پیمان طالبی

این خونه  
دلش برا تو خیلی تنگ شده  
مدینه انگاری که جنگ شده  
دل همه یه تیکه سنگ شده  
تنهایی  
یه روزی قاتل علی میشه  
غمی توی دل علی میشه  
مغیره مشکل علی میشه  
آه از روزی / که رفته بودی پشت در  
آه از روزی / که کردی نیت سفر  
یه دنیا غم / همیشه توو دل منه  
مسمار در / پس از تو قاتل منه  
مرو مرو مرو زهرا



مجبورم  
شبا فقط سر مزار پیام  
بدون تو سر قرار پیام  
با میخ در یه جور کنار پیام  
می‌دونم  
تمومه کارِ خونه بعد تو  
که قحط همزبونه بعد تو  
کی حالمو بدونه بعد تو  
کجا میری / رفیق بچه‌های من  
بمیرم که / تورو زدن به جای من  
غصه داری / چه جوری از غمات بگم  
سیلی خوردی / چطور به بچه‌هات بگم



خانومم  
فدا شدی با چه شهامتی  
تو که مدافع ولایتی  
خدایی لایق شهادتی  
اما من  
کبوترم که پر شکسته‌ام  
پس از تو من یه مرد خسته‌ام  
پس از تو من یه مرد خسته‌ام

تنہا بودن / غم بزرگ عالمہ  
احوال کی / آخہ شبیہِ عالمہ  
بریدہ شہ / الہی دستِ دشمنت  
یادم میرہ / مگہ کبودیِ تنت؟

### حسین صیامی

می‌آید این ندا

حی علی العزا

اندوه و ماتم مهمون سینه است

آتیش دلها داغ مدینه است

باز

توی دل ماتم داریم

شد

فاطمیه و غم داریم

یا فاطمه مدد

□

یا بضعه الرسول

صدیقه البتول

بانی خلقت مادر تو هستی

شان نزول کوثر تو هستی

جز

راه تو همیشه گمراهی

تو

سر اعظم الهی

یا فاطمه مدد

□

مکسوره ضلع‌ها

مغصوبه حق‌ها

اجر رسالت شد ضرب سیلی

کشته علی را آن روی نیلی

وای

بار شیشه دل سنگی

وای

چل نفر مرد جنگی

یا فاطمه مدد

□

تا پای جون و خون

نحن مدافعون

ما و دفاع از حق ولایت

تا آخر کار یعنی شهادت

چون

راه مادر ساداته

این

بهترین عباداته

یا فاطمه مدد

## جواد الهی پور

کنار سفره امشب  
خالیه جای مادر  
یادم نمیره هیچوقت  
نگاش تو لحظه‌های آخر  
حسن چه بی قراره  
حسین چشم انتظاره  
گمون کنم که بابا  
نبود تو نکرده باور

بیا  
نمی‌دونی بابا این روزا چقد تنه‌است  
بیا  
خونه برای ما بی تو آخر دنیاست

مرو  
حبیب علی

مرو

غریبه علی

□

خونه دیگه صفای

اون روزا رو نداره

خون گریه کردن امشب

برا غمت ماه و ستاره

این روزا حال بابا

حال شبای تاره

به روی جانمات

سر میزاره تا صبح میباره

ببین

چادر خاکیتوزینبت به سر کرده

ببین

رفتن تو دعاهاشو بی اثر کرده

نرو

حبیب علی



نرو

غریبه علی

□

شهیده‌ی ولایی

بانوی مرتضایی

هستی مصطفی‌یی

یکی یه دو نه‌ی خدایی

اسطوره‌ی وفایی

با غصه آشنایی

مادر کربلایی

راضی نشو به این جدایی

خدا

نهال امید مرتضی خزونی شد

خدا

نشون مادر زینب بی نشونی شد

نرو

حبیب علی

نرو

غریبه علی

## جواد الهی پور

داری با غصه‌ها خو می‌گیری  
چن روزه دس به پهلو می‌گیری  
زهرآ جانم  
منکه یه عمریه محرمتم  
چرا داری ازم رو می‌گیری  
زهرآ جانم

زوده جدایی بین مادوتا  
حرفشو نزن  
نرو بی حیدر تورو به خدا  
رحمی کن به من ۳  
زوده برا تو پیش بچه‌ها  
صحبت کفن ۳

پیش چشم تارم  
افتادی زمین  
تو شدی شهیده  
من خونه نشین

(فاطمه یا زهرا  
مظلومه‌ی من)

مدینه شاهده روز جزا  
که چی اومده به سر ما خدا  
موندم بی یار  
دل‌مو می سوزونه همیشه  
بدتر از همه‌ی این غصه‌ها  
زخم مسمار

پرستوی زخمی مرتضی  
تنهایی نپیر ۲  
یا نرو تنها زندگی من  
یا منو بیر ۲  
التماست می‌کنه مرتضی  
با چشمای تر ۲

پیش چشم تارم  
افتادی زمین  
توشدی شهیده  
من خونه نشین

(فاطمه یا زهرا  
مظلومه‌ی من)

به تو بدون حیدر چی گذشت  
میون دیوار و در چی گذشت  
زهرا جانم  
رفتی و نمی‌دونی به علی  
لحظه‌ی غسل پیکر چی گذشت  
زهرا خانم

یه تنه بودی واسه‌ی علی  
لشگر و سپاه ۲  
بی تو امونم برید و شدم  
بی پشت و پناه ۲  
درد دلاشو بعد تو علی  
می‌ریزه تو چاه ۲

پیش چشم تارم  
افتادی زمین  
تو شدی شهیده  
من خونه نشین

فاطمه یا زهرا  
مظلومه‌ی من

## سجاد عادل

حرف رفتن و نزن  
کجا تو میخوای بری؟!  
مگه تو چند سائته؟  
فاطمه جان میشه نری؟

دل بریدن ازت خیلی سخته زهرا زهرا  
تورو خدا نرو میشم خیلی تنها زهرا

(میشه بمونی؟! تورو خدا نرو نرو نرو)

میشه چشاتو وا کنی؟  
حال حیدرو ببین  
مرد خیبر و زده  
داغ فاطمه زمین

یه گوشه ای حسن آروم رفته می خونه می خونه  
میگه فقط خدا این روضه رو می دونه می دونه

(مادر خوبم جون حسن نرو نرو نرو)

دیگه وقت رفتنه  
دم آخری شده  
چرا حرف روضه‌ی  
یه شاه بی سری شده؟

می‌رسه از تو گودال ناله‌ی یه مادر  
غریبونه می‌خونه با گریه یه خواهر

(برادر من نرو نرو بمون عزیزم)

## اسماعیل شبرنگ

فاطمیه شد و بی قرارم  
سر به کوه و بیابون می دارم  
امشب از داغام اییها ناله دارم

غم تو سوز ماتم تو روسرم جاداره خاک پرچم تو  
مادرم درد تو می خرم واسه تو می باره دوتا چشم ترم

یازهرا گدای لطف و کرمم  
یازهرا ای مادر بی حرمم

یازهرا ملیکه‌ی ارض و سما

پاییز غصه کرده بهارو  
ماتمی که شکسته دلارو  
حتی یک لحظه بادم نمی ره کوچه‌هارو

نقسم به خود تو قسم خیلی دوست دارم همه کارو کسم  
زمزمه می کنم باهمه رو لبم جا داره ذکر یا فاطمه



یازهرا می بینی که در به درم  
یازهرا ای مادر بی حرمم

یازهرا ملیک‌ه‌ی ارض و سما

ای دلایی که در زیر دینه  
کشته‌ی مادر عالمینه  
ذکر لب‌های ما مثل زهرا یا حسینه

دلبری ماهارو می خری شب جمعه مارو کربلا می بری  
دعامو داشته باش هوامو این شبا صادر کن اذن کربلامو

محتاج لطف شه بی سرمم  
یازهرا ای مادر بی حرمم

یازهرا ملیک‌ه‌ی ارض و سما



# واحد

(فایل صوتی نوحه‌ها در لوح فشرده و سایت هیات رزمندگان اسلام: [www.eHeyat.com](http://www.eHeyat.com))



## محمد مهدی سیار

(۱)

شب و این سکوت پر از حرف  
شب و بهت سنگین خانه  
شب و بغض معصوم بابا  
شب و حق هقی کودکانه

شب و آه و این درد جانکاه  
شب و گریه ی گاه و بی گاه  
شب و جمع ماتم گرفته  
شب و هاله صورت ماه

چه روزی گذشت / بر این خانه و / چه ها دیده اند اهل خانه  
به دلها غمی / که تا آسمان / کشد شعله هایش زبانه

(۲)

شده خانه لبریز اندوه  
به جای سلام و تبسم  
به جای گلاب و گل و مُشک  
فقط بوی دود است و همیزم

نگاه همه سوی مادر  
که خود از همه رو گرفته  
که دردی به جانش نشسته  
که دستی به پهلو گرفته

غم زینبین / نگاه حسین / علی را به ماتم نشانده  
ولی این میان / نگاه حسن / به دیوار و در خیره مانده

(۳)

به تنهایی و غربت خویش  
دل من اگر خو بگیرد  
ولی تاب این غم ندارم  
که زهرا ز من رو بگیرد

از این غم امانم بریده  
از این غصه پشتم شکسته  
که سرو جوانم بخواند  
نماز شبش را نشسته

علی دل خوش است / به لخند تو / مگیر از من این دل خوشی را  
به جان حسین / به جان حسن / مگو که بریدی دل از ما

(۴)

دل خوش برآیم نمانده  
نه در کوچه و نه به خانه  
به خانه غم میخ و دیوار  
به کوچه غم تازیانه

شنیده حسن در دل شب  
دعای وفات از لب تو  
امان از نگاه حسین و  
امان از دل زینب تو

نظر کن دمی / به اشک حسین / به نجوای ام من یجیبش  
نظر کن دمی / به آه حسن / به بغض و سکوت غریبش



(۵)

رسیده شهیدی دوباره  
پس از بی نشانی و دوری  
سوی مادری که همه عمر  
نشسته به پای صبوری

پس از سالیانی که بوده  
پی یک خبر از شهیدش  
فقط استخوان و پلاکی  
رسیده ز سرو رشیدش

سلام خدا/ به این مادران/ به چشمان بی سوی نمناک  
سلام خدا/ به آن عاشقان/ شهیدان گمنام این خاک

(ای عاشقان بی نشان/ ای ساکنان آسمان/ زائران حضرت زهراست)

## میلاذ عرفان پور

ای دل امشب چشم گریانم بده  
تشنه ام تشنه تو بارانم بده  
ذکر یا زهرا بگو جانم بده

دنیا نیرزد بی یاد زهرا  
دل ناتمام است بی عشق مولا

نور چشم مصطفی زهرا اغیثینی  
بانوی اهل کسا زهرا اغیثینی  
(مولاتی زهرا یا زهرا)

ای شهیدان تا ابد مهمان تو  
ای زمین و آسمان حیران تو  
جان ما کی می شود قربان تو

ای خطبه خوان غم‌های حیدر  
ای در پی او در کوجه مضطر

ای مدینه روضه خوان قبر پنهانت  
می‌گذارد آسمان هم سر به دامت  
(مولاتی زهرا یا زهرا)

تا میان شعله‌ها مضطر شدی  
خود شهید اول حیدر شدی  
راهی دیدار پیغمبر شدی

ای راز کوثر، در جان قرآن  
ای نام پاکت ورد شهیدان

تا غبار چادر تو تار و پود ماست  
روضه‌ی تو تا قیامت در وجود ماست  
(مولاتی زهرا یا زهرا)

## یوسف رحیمی

در آسمان‌ها نام تو شد جاودانه  
شد مسجد تو گوشهٔ محراب خانه

بین ملائک هم زبانزد شد عفاف  
صدها فرشته روز و شب گرم طواف  
شد دیدنی راز و نیاز و اعتکاف

غرق عبادت عمر شریف، خورشید تقواست روح لطیف

ای روح ایثار و وفا، روح شهادت  
ای خون تو احیاگرِ راه ولایت

در حق این عالم دوباره مادری کن  
یک بار دیگر هم تو ذره پروری کن  
دل‌های ما را با نگاهت حیدری کن

روح دعا و روح سخاوت، تو بی نظیری در استجابت

«زهرایا زهرا، زهرایا زهرا»

## یوسف رحیمی

پیچیده عطر زخمی یک یاس پرپر  
چیزی نمانده دیگر از آیات کوثر

آتش گرفته جنت الأعلای حیدر  
آتش گرفته باغ رضوان پیمبر  
آتش گرفته قلب زهرا پشت آن در

این آستانه باغ بهشت است، این ناله یک حوری سرشت است



دستان حیدر را اگر در کوچه بستند  
پهلوی زهرا را چرا دیگر شکستند

اما میان آن نبرد نا برابر  
با پهلوی غرق به خون مظلومه مادر  
آمد میان کوچه‌ها دنبال حیدر

آمد که باشد قربانی او، در بین کوچه شد فانی او

«زهرا یا زهرا، زهرا یا زهرا»

## یوسف رحیمی

از کوجه‌های بی کسی بی تاب و خسته  
می آید اما با دلی در خون نشسته

با ناله و اندوه و ماتم خو گرفته  
از دخترش هم بین خانه رو گرفته  
می آید اما دست بر پهلو گرفته

می آید اما با چشم خونبار، دستی به پهلو دستی به دیوار





آتش زده بر هر دلی با این سکوتش  
«عَجَل وفات الفاطمه» ذکر قنوتش

گل‌های اشکش می‌شود هر لحظه پرپر  
اشکش شده آئینهٔ غم‌های حیدر  
در بین کوچه شد ادا اجر پیمبر

کشته علی را این روی نیلی، آن داغ کوچه این جای سیلی

«آه و واویلا، آه و واویلا»

## یوسف رحیمی

در کوجه‌ها رفته ز دست، بود و نبود  
مرثیه خوان من شده چشم کبودت

چان علی! جانم فدایت کلمینی  
کشتی مرا با گریه‌هایت کلمینی  
می‌میرد آخر مرتضایت کلمینی

طاقت ندارم چشم ترت را، در خون بینم بال و پرت را



می‌گیرم اشک از چشم تو با دست لرزان  
تا زنده‌ام با اشک خود من را مسوزان

با آه مظلومانه ایکی لیلیتامی  
بی تاب و بی صبرانه ایکی لیلیتامی  
زهراکه رفت از خانه ایکی لیلیتامی

چشمان خیست شد قاتل من، وای از دل تو وای از دل من

«آه و واویلا، آه و واویلا»

## یوسف رحیمی

تو می روی و روی لب دارم نوایی  
آه از جدایی فاطمه آه از جدایی

چه خون دلها که شب غسل تو خوردم  
باگریه تابوت تو را بر شانه بردم  
هنگام دفن پیکرت صد دفعه مردم

راحت شدی از غمهای عالم، مانده علی با یک کوه ماتم



رفتی و بی تو همدمم شد آه غربت  
بعد از تو تنها محرمم این چاه غربت

سر می‌گذارد مرتضی بی تو به صحرا  
بی تو حدیث غربتم شد ذکر لب‌ها  
با طعنه می‌گویند علی افتاده از پا

مظلوم عالم مانده چه تنها، تنها تر از قبل بعد از تو زهرا

«هستی حیدر، هستی حیدر»

## یوسف رحیمی

پر می‌زند هر شب دلم از صحن سینه  
دارد دل بی تاب من شوق مدینه

پر می‌زند دل‌ها به سوی آسمانت  
تا قبر خاکی و ضریح بی نشانت  
در آرزوی یک نگاه مهربانت

پروانهٔ تو دل‌های شیعه، تو در دو عالم هستی شفیع



با بوی یاس و بوی سیب، با بوی تربت  
پر می زند دل‌های ما از صحن هیئت

یا فاطمه تو بر دو عالم نور عینی  
یا فاطمه مشکل‌گشای عالمینی  
یا فاطمه ام‌الحسن ام‌الحسینی

از اشک‌هایم من توشه دارم، شوق طواف شش‌گوشه دارم

«زهرا یا زهرا، زهرا یا زهرا»

## یوسف رحیمی

مهر تو تو دل همه گذاشت، برای روز واهمه گذاشت  
خدا برداشت عذاب شیعه رو، وقتی اسمت رو فاطمه گذاشت

بانوی بهشت، تو امید شیعه‌ای  
در مهر و سخا، بهترین طلیعه‌ای  
روز واهمه، تویی که شفیع‌ای

□

فدای عصمت و عفاف تو، مریم و ساره در طواف تو  
توی محراب خونه ت چقدر، دیدنی می‌شه اعتکاف تو

یا زهرا به ما، درس زندگی بده  
به بال‌های ما، باز پرندگی بده  
یعنی بانگات، نور بندگی بده

«یا زهرا مدد، فاطمه یا فاطمه»



## یوسف رحیمی

شور تلمیح تو علی علی، ذکر تسبیح تو علی علی  
توی سختی‌ها وقت مشکلات، شد مفاتیح تو علی علی

ای یاس نبی، جان مرتضی تویی  
صبرت بی بدل، بانوی وفا تویی  
تنها حامی ولی خدا تویی

□

ای بهشت پیمبر خدا، ای قرار علی مرتضی  
مادر زینب و حسن تویی، بانی نهضت کرب و بلا

برپاست محشری، با شهادتین تو  
می‌گرده جهان، دور نور عین تو  
جون ما همه، فدای حسین تو

«یا زهرا مدد، فاطمه یا فاطمه»

## یوسف رحیمی

دل تنگم غبار قدمت، می‌زنم سینه پای علمت  
بدا باشم مته یا کریمی، زائر آسمون حرمت

ای خون خدا، به دلم بها بده  
ارباب با وفا، دلمو جلا بده  
به این بی نوا، رزق نینوا بده  
□

به فدای تو و مرام تو، فدای لطف نا تمام تو  
اونقد آقایی که حتی منم، زدم این قلبمو به نام تو

نالایق بودم، دادی عزتم آقا  
ای روح وفا، تو کجا و من کجا  
هر شب قلبمو، می‌بری سمت خدا

«ارباب با وفا، یا حسین فاطمه»

## یوسف رحیمی

مگه یادم می‌ره جود و سخات، دادی راهم تو صحن با صفات  
گرچه برگشتم اما دل من، بر نمی‌گرده از کرب و بلا

می‌باره چشم، به یاد دو نور عین  
گرم هروله، توی بین الحرمین  
ذکر لبهامون، یا اباالفضل یا حسین

□

حکایت داره این بی‌دلی‌ها، در باب الکرّم سائلی‌ها  
گره خورده دل عاشق من، از ازل با ابوفاضلی‌ها

ای صاحب علم، فدای سخاوت  
می‌شه محشری، شبای زیارت  
قربون تو و غیرت و صلابت

«ارباب با وفا، یا حسین فاطمه»

## یوسف رحیمی

پر زده دل من دوباره به هوات  
تا خدا می‌بره دلمو یه نگات

به غمت دل بستم، زائر تو هستم  
میون هیئت غم تو یا زهرا  
واسه من تسکینه، می‌زنم بر سینه  
همیشه پای علم تو یا زهرا  
ایشالا این روزا، میاد آقای ما  
که بشه برپا حرم تو یا زهرا

اونجا به آقامون اقتدا می‌کنیم  
توی صحن تو روضه به پا می‌کنیم

□

بوی یاس که می‌پیچه تو هیئت تو  
می‌شه دل بی‌قرار زیارت تو

از نگام می‌خونی، این چشم بارونی  
آرزوش دیدن بقیعه یا زهرا  
مادر ما هستی، بگیر از ما دستی  
خیمهٔ لطف تو وسیعه یا زهرا  
می‌دونم دستای رشیدِ سقایی  
گر بلا واسه ما شفیعہ یا زهرا

آبرومون این اشک و تباکی می‌شه  
پناه شیعه چادر خاکی می‌شه

□

تویی خورشید هفت آسمون علی  
شده بسته جون تو به جون علی

عالمی مدیونت، که تا پای جونت  
موندی تو پا به پای علی یا زهرا  
محسن شش ماهه، شهید این راهه  
مته تو شد فدای علی یا زهرا

تو علمداری کن، شیعه رو یاری کن  
مادر عاشقای علی یا زهرا

ای شهیدهٔ راه خدا فاطمه  
تویی بانوی کرب و بلا فاطمه  
□

کار چشمای تو ذره پروریه  
با نگات تا ابد دلا حیدریه

سورهٔ هل أتى، شکوه انما  
فدای لطف و کرامتت یا حیدر  
تو یداللهی و اسداللهی و  
عالمی محو صلابتت یا حیدر  
تویی حبل المتین، امیر المؤمنین  
می تابه نور ولایتت یا حیدر

نداریم غمی توی روز واهمه  
مادر همهٔ شیعه هاست فاطمه  
□

بی قراره دلم، بی شکویه دلم  
برای حرم و بوی سیبِ حرم

دو سه ماهه آقا، غرقه آهه آقا  
دلای بی‌قرار همه ثارالله  
چه صفایی داره، چه شبایی داره  
حرم ساقی علقمه ثارالله  
چی می‌شد این روزا، راهی بودیم آقا  
همه با ذکر یا فاطمه ثارالله

شبای جمعه که می‌پیچه بوی یاس  
مادرت فاطمه توی کرب و بلاس

## امیر عباسی

ای آرامشِ دل‌ها، نورِ دیده‌ی طاها  
یا امّ ابیها، یا زهرا یا زهرا

جان ما فدای تو، نذر روضه‌های تو  
صدیقه‌ی کبری، یا زهرا یا زهرا

بینِ شعله‌ی آذر، اُفتادی به پشت در  
بر یاریِ مولا، یا زهرا یا زهرا



روزی سعادت را، از شما شهادت را  
ما داریم تمنا، یا زهرا یا زهرا

دلگرمی مولایی، بی مانند و همتایی  
همچون حیّ یکتا، یا زهرا یا زهرا

ای مظلومه‌ی عالم، رفته‌ای به قدّ خم  
به دیدارِ بابا، یا زهرا یا زهرا

با آن سوز و اشک و آه، دعاکن که در این راه  
حسینی شویم ما، یا زهرا یا زهرا

دعاکن سپاریم جان، بهر عترت و قرآن  
مثل باکری‌ها، یا زهرا یا زهرا

دعاکن که تا آخر، بندگی کنم مادر  
با ایمان و تقوی، یا زهرا یا زهرا

## امیر عباسی

نوحه باگریه و آوا می خونم، یاد شهیدا می خونم  
از غم مولا علی و، غربت زهرا می خونم

یا زهرا، تویی مشعل نور هدایت، شده‌ای تو فدای ولایت  
همه هستی من به فدایت

امّ ابیها یا زهرا یا زهرا یا زهرا...

مرغ دل به بامِ لطفت میشینه، دلخوشی ما همینه  
ایشالا با مهدی تو، میاییم به زودی مدینه

یا زهرا، تویی یاس بهشت پیمبر، تویی جلوه‌ی مُصحف داور  
که ترنمِ قدری و کوثر

اُمّ ابیها یا زهرا یا زهرا یا زهرا...

یا زهرا، مادرِ کلّ شهدا، حقیقت نور خدا  
ما با دعای تو شدیم، سینه زن کربلا

ما هستیم، همه نوکر شاه شهیدان، که شده فدا با لبِ عطشان  
صدا می‌زنیم از دل سوزان

یا بن الزهرا یا حسین...

## وحید قاسمی

یک نخ از چادر خاکیت، لنگر عرش و زمینه  
روز محشر زیر سایه ش، نوکر حسین می‌شینه

این قدر ماهی تو مادر، که بهشتم زیر پاته  
تو شلوغی قیامت، حواست به بچه‌هاته

از تنور گرم خونت، عالمی روزی میگیره  
پادشاه می‌گن به اون که، در این خونه فقیره

بین مادرای دنیا، شما مهربون‌ترینی  
می‌دونم دلت نمیداد، که گرفتارم ببینی

مثل سائلا با امید، در خونت می‌کوبم  
گره افتاده به کارم، واکنید مادر خوبم

واسه چی هوامُ داری؟، همیشه برام سئواله  
رفتتم با دستِ خالی، از درِ خونت محاله

همه دلخوشیم به اینه، دستمُ می‌گیری مادر  
چطوری بگم به عالم، که چه بی نظیری مادر

اگه پرچمت نباشه، می‌خوام این دنیا نباشه  
کجا من بینمت پس، اگه هیئتاً نباشه

با یه ذوقی او مدم تا، یه نجف ازت بگیرم  
دعاکن برام که آخر، رو پایِ علی بمیرم

دعاکن که قسمتتم شه، به همین زودی شهادت  
دعاکن بشم فدایی، پایِ پرچم ولایت

دعاکن دعام بگیره، اسیر دنیا نمونم  
دعاکن به عشقِ رهبر، از شهیدا جا نمونم

« مادر جان مددی حضرت زهرا(س) »

## وحید قاسمی

نحن ابناء الحیدر    نحن ابناء الزهرا  
 عمری به عشق فردا  
 با هزار تا غم می سازیم  
 به همین زودیا مادر  
 براتون حرم می سازیم  
 خون سلمان تو رگامون  
 عشق زهرا تو دلامون  
 می پیچہ یہ صبحِ جمعہ  
 تو ہمہ عالمِ صدامون  
 جمعہ ای کہ زندہ می شہ  
 شان و احترامِ مادر  
 راہی مدینہ می شیم  
 واسہ انتقامِ مادر  
 میریم از مسیرِ فکہ  
 مدد از ولی می گیریم  
 تا خود مدینہ با ہم  
 ذکرِ «یا علی» می گیریم  
 نحن ابناء الحیدر    نحن ابناء الزهرا



کاش خدا تو کوچه بودیم  
تا فدک پاره نمی شد  
تا که این قدر توی هیئت  
حرفِ گوشواره نمی شد  
کاش خدا تو کوچه بودیم  
سهمِ دل بلا نمی شد  
تا سرِ حسین زهرا  
کر بلا جدا نمی شد  
کاش خدا تو کوچه بودیم  
شیعه بیچاره نمی شد  
تا غروبی تلخ و دلگیر  
زینب آواره نمی شد  
کاش خدا تو کوچه بودیم  
تا بهار خزوون نمی شد  
مزد یک قاری قرآن  
چوب خیزروون نمی شد

نحن ابناء الحیدر نحن ابناء الزهرا



## پیمان طالبی

ذکر لبت حسین حسین  
چه عشقیه بین تو و بین حسین  
دلّم برات به زیر دین  
چه عشقیه بین تو و بین حسین

بی بی جان / معنای عزت  
چادر خاکی تو سرمایه‌ی عفت  
از تو همین و  
یاد می‌گیرم که باشم مدافع ولایت

فاطمه مادر یا زهرا

□

حیدری‌ام مثل شما  
شفاعت مارو بکن پیش خدا  
مارم توو نوکرات بخواه  
یه بارماهارم بطلب کربلا

بی بی جان / ام الحسینی  
بین عباس و حسین بین الحرمینی  
می شناسی ما رو  
ایرانی هستیم و سرباز خمینی

فاطمه مادر یا زهرا



ما نوکر مادرتیم  
مدافعان حرم دخترتیم  
ما مثل کوه پشت سرتیم  
مدافعان حرم دخترتیم

بی بی جان مست از شمیش  
کاش می شد منم بشم سرباز و مقیمش  
بی بی به والله  
من نمی دارم یه موکم بشه از حریمش  
فاطمه مادر یا زهرا

## پیمان طالبی

اولین شهید ولایت ای قد کمون حیدر  
بسته جون تو به علی، به تو بسته جون حیدر  
پیر غلام مولا میشه کسی که تموم عمرش  
جون بده توو سینه زنی برای جوون حیدر

بی بی فاطمه یا زهرا

کم برات گذاشتم ولی من از تو زیاد گرفتم  
از در خونه ت هرچی که دل من بخواد گرفتم  
پیرو ولایت شدم واسه این که معرفت رو  
عمری از ولایت مداری بی بی یاد گرفتم

بی بی فاطمه یا زهرا

هیچ زنی توو دنیا نمیشه با فاطمه برابر  
دوست دارم همیشه صدات کنم یا بی بی یا مادر  
توو روایت اینو هزار دفه خوندم و شنیدم  
قال مرتضی : چادر تو یعنی حجاب برتر!

بی بی فاطمه یا زهرا

## پیمان طالبی

الهی بمیرم  
چرا دست به دیوار می‌گیری  
الهی بمیرم  
چرا دیگه از حیدر سیری؟  
الهی بمیرم  
چرا از علی روو می‌گیری

آه عزیز علی دیگه بدرود  
آه قرار منو تو همین بود؟  
آه داری میری اما چقد زود

خداحافظ ای عشق حیدر

الهی بمیرم  
چرا غرق اشکه این خونه  
الهی بمیرم  
خاطراتت اینجا می مونه  
الهی بمیرم  
بچه هات می گیرن بهونه

آه شهادت گوارای جونت  
آه چیکار کنم اما بدونت  
آه به قربون قد کمونت

خدا حافظ ای عشق حیدر

## حسین صیامی

عرش خدا عزادار  
چشم خدیجه خونبار  
یاس علی کجا و افتادن بین در و دیوار  
علی چه بی سپاهه  
فاطمه بی پناهه  
همدم دلتنگی مادرم فقط اشکه و آهه

تو که بر اشون دعا می‌کردی  
مزد تو دادن حالا تو پر آه و دردی  
فاطمه جان فاطمه جان

خوابید شما یا بیدار  
بین کجا رسید کار  
گنجینه اسرار حق کجا این تیزی مسمار  
آتش ظلم و کینه  
نامردی مدینه  
بغض عجیبی داره از این غصه‌ها علی توو سینه  
فاتح خیبر دستای بسته  
به ما بگو کی حرمت تو رو شکسته  
فاطمه جان فاطمه جان

به پای حیدر هستیم  
بیدل و بی سر هستیم  
سربند یازهرا زدیم به پیشونی تا آخر هستیم  
عاشق کربلاییم  
واله و مبتلاییم  
مدافع حریم دختر پیمبر خداییم  
راه شهادت بازه هنوزم  
ندار که من این جووری توو حسرت بسوزم  
فاطمه جان فاطمه جان



## جواد الهی پور

آگه می‌بینی زانو هام  
لحظه به لحظه سست میشه  
تو فکر درد من نباش  
غصه نخور درست میشه

بغض کردی  
بیخس آگه برنمیاد کاری دیگه از دستم  
تا آخرین قطره‌ی خون پای ولایت هستم

دلَم برات شور میزنه  
منکه برم غریب میشی  
خونه نشین جهل این  
مردم نانجیب میشی

(واویلتا واویلتا)

بادست سالمم علی  
اشک از رخت بر می دارم  
اشک غریب شفا میده  
اونو رو زخمم می دارم

الوداع  
رفیق نیمه راه شدم منو حلال کن مولا  
فقط بگو ته دلت راضی بودی از زهرا

بیخس آگه با ناله هام  
خوابو گرفتم از چشات  
غربت چه کرده با دلت  
غصه می باره از نگات

(واویلتا واویلتا)

شونه بزن به جای من  
گاهی به موی زینبین  
حسن غریبه بعدمن  
تشنه میشه شبا حسین

می‌بینم  
مردن بی بصیرت و اسیر و عبد دنیا  
هلهله می‌کنن با ناله‌ی حسین تنها

وعده‌ی ما باهمدیگه  
یه روز میون قتل‌گناه  
کنار جسم پرپر  
دسته گلای بی‌گناه

(واویلتا و اوویلتا)

## جواد الهی پور

گریه نکن که طاقت  
دیدن اشکاتو ندارم به خدا  
خودت مریضی و بازم  
برا امامت می‌گیری دست به دعا

الهی  
شفا بگیری  
ای بانوی اهل بهشت  
نگا کن  
تورو گرفت از  
علی دست سرنوشت

پرمیکشی از خونمون  
اما برا چی شبونه  
تنها می‌ذاری علیو  
حالا چرا مخفیونه

(زهرا ی قد خمیده‌ام  
ای بانوی شهیده‌ام)

یادش بخیر روزایی که  
کنار هم بودیم بدون اشک و آه  
اسوهی ایمان و وفا  
بدون تو علی میشه بی تکیه گاه

چه کردند  
با تو که اینجور  
دست به پهلو می‌گیری  
نگام کن  
من علی‌ام  
چرا ازم رو می‌گیری

معلومه که نمی‌مونی  
معلومه که راه نداره  
بی تو علی هم صحبتی  
دیگه به جز چاه نداره

(زهرا ی قد خمیده‌ام  
ای بانوی شهیده‌ام)

وقتی به خونه م اومدی  
رشیده‌ی علی قد تو خم نبود  
چطور فراموشش کنم  
خدا میدونی داغ کوچه کم نبود

یه عمری  
هیچی نخواستی  
از علی بانوی علی  
نگاکن  
به زیر تابوت  
میلرزه زانوی علی

نمیره از یاد علی  
محبت تو نگاهت  
برو مسافر غریب  
دست خدا به همراهت

(زهرای قد خمیده‌ام  
ای بانوی شهیده‌ام)

# شور

(فایل صوتی نوحه‌ها در لوح فشرده و سایت هیات رزمندگان اسلام: [www.eHeyat.com](http://www.eHeyat.com))





## یوسف رحیمی

با تو مادر غمی ندارم  
توی دنیا کمی ندارم، فردا هم ماتمی ندارم  
که تویی مادرم، سایهٔ رو سرم

بر سخا و جود طبیعه تویی  
امید شیعه تویی، وقتی شفیعه تویی  
خوب می‌دونم که روز واهمه  
می‌شه پناه همه، لطف تو یا فاطمه

دل‌م آسوده، از غم فرداس  
شفیع‌م می‌شه، دستای عباس

«مادر مادر وای، مادر بی‌حرم»



خورشید آسمون علی  
ای ماهِ مهربون علی، بسته ست جونت به جون علی  
تکیه گاه علی، جون پناه علی

کوچه حیرون از شهامت تو  
از استقامت تو، برپاست قیامت تو  
گفتی می مونم به پای علی  
جونم فدای علی، ای باوفای علی

ولایت موند از، نور افلاکی ت  
بیرق شیعه ست، چادر خاکی ت



خاکم رو با غم تو سرشت  
روی قلبم یا علی نوشت، یعنی برده منو به بهشت  
دست لطف خدا، از همون ابتدا

توی این عالم آخه چی از این بهتر  
تویی واسه من مادر، مولای منه حیدر  
غم ندارم وقتِ شهادتین  
دارم دو تا نور عین، دارم حسن و حسین

طوفان عزمم، بارون احساس  
زینبی هستم، شبیه عباس

□

دل‌های ما هوایی می‌شه  
توی روضه‌ت خدایی می‌شه، یعنی کرب و بلایی می‌شه  
آخرش با دعوات، با یه گوشه نگات

دل من داره هوای حسین  
شور و نوای حسین، جونم فدای حسین  
به روی دوشم علم حسین  
غرقِ کرم حسین، عشقم حرم حسین

فدای تو این، جونِ ناقابل  
دل‌مو بسپار، به ابوفاضل

□

العجل ای پناه جهان  
ای تنها امید شیعیان، العجل یا امام زمان  
ای امید همه، مهدی فاطمه

چشم عالم در انتظار تو  
دل‌ها بی‌قرار تو، جان ما نثار تو

بیا آقا با نور ازلی  
تنها مولا و ولی، با ذوالفقار علی

بیا آقا با، علم زهرا  
بیا برپا کن، حرم زهرا

## یوسف رحیمی

روشن شده از نور محبت تو دنیا  
سر می‌شه شب غصهٔ ما با ذکر زهرا

حتی شب علی روشن از نگاه تو  
شیعهٔ مرتضی زنده در پناه تو  
رو سپیدی‌مون از چادر سیاه تو

زهرای بتول، بضعهٔ قلب رسول، مهر تو مهر قبول  
□

درسه برای عالمی عصمت و عفافش  
شد دیدنی تو محراب خونه اعتکافش

حَتَّى تَوَرَّمْ قَدَمَاهَا روایت کرد  
مادر ما تمام شبو عبادت کرد  
با نور سجده‌هاش عالمو هدایت کرد

خواسته تو دعا، که باشه روز جزا، شافع ما شیعه‌ها



دارن کوجه‌ها حال و هوای فاطمیه  
پیچیده بازم هر جا صدای فاطمیه

از این صدا دو عالم به لرزه افتاده  
صدای فاطمیه خروش و فریاده  
فاطمه از غریبی مولا جون داده

باید شیعه‌ها! فاطمیه همه جا، برپا شه بزم عزا

«السلام علی سَیِّدَتِنَا الزَّهْرَا»



وقتی همه جا شد به پا شور فاطمیه  
روشن می‌شه این دنیا به نور فاطمیه

پر می‌شه دنیا از این خروش اشک و آه  
می‌رسه وارث فاطمیه‌ها از راه  
می‌شه نوای عالم علی ولی الله

موعود جهان، صاحب عصر و زمان، می‌رسه وقت اذان

□  
زَارَ اللهُ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ فِي كَرْبَلَائِهِ  
الْجَنَّةَ وَجَبَّتْ بِدَمْعٍ وَعَزَائِهِ

وَ جَعَلَ اللهُ الشُّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ  
وَ جَعَلَ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قَبْتِهِ  
وَ فِي قُلُوبِنَا حَسْرَةَ زِيَارَتِهِ

يَوْمَ الْعَرَصَاتِ، الرَّجَاءِ مِنْكَ النَّجَاءِ، يَا قَتِيلَ الْعِبْرَاتِ  
□

وقتی می‌شه حرف کربلا دلم می‌گیره  
بدجوری دلم بهونه حرم می‌گیره

چی می‌شه که منم آخرش مته سقات  
شهید بشم توی کربلا به پیش پات  
جوونیمو کنم نذر عمه سادات

ابریه چشمام، آرزومه که پیام، جون بدم پای آقام

«السلامُ عليك يا سيِّدَ الأحرار»

## امیر عباسی

غمم همینه، تو فاطمیه میره دل سوی مدینه  
برات بمیرم، ای مادر خمیده‌ی شکسته سینه

مادرِ خسته، دلم میونِ روضه‌هات به غم نشسته  
من چی بگم از، قنفذ و تازیانه و دست شکسته

آتیش قلب آفاقه، شرر صورت نیلی  
قاتل جون عشاقه، حدیث کوچه و سیلی

مددی حضرت زهرا...



پهلوی شکسته، غم اینقده زیاده که حساب نداره  
تو کوچه بازار، سلام شوهرت دیگه جواب نداره

مصیبت تو، تازه شروع راهه ای قامت خمیده  
دل می‌سوزه از، روضه‌ی قتلگاه و یک سر بریده

گودی مقتل و غربت، لاله‌ی پرپر زهرا  
نیزه و تیر و شمشیر و، چکمه و شمر و واویلا

یا حسین یا حسین مظلوم...

## امیر عباسی

صدیقه‌ی کبری تویی، آرامش دلها تویی  
همسنگرِ شیرِ خدا، جان نبی زهرا تویی

یا فاطمه یا فاطمه...

ای جان و جانان علی، ای قدر قرآن علی  
تا لحظه‌ی جان دادنت، بودی پریشان علی

با قدِّ خم از این جهان، دلخون و خسته رفته‌ای  
بر دیدنِ روی پدر، پهلو شکسته رفته‌ای

از فتنه و کفر و نفاق، بگرفته‌ای تاب و قرار  
هم خطبه‌ات هم گریه‌ات، بنموده کار ذولفقار

تفسیر پاک هل اتی، ای نور قدر و انما  
تو مستجاب الدعوه‌ای، ما را دمی بنما دعا

ما را دعا کن تا شویم، عبد خدا سرباز دین  
ثابت قدم باشیم همه، همراه خیلی مؤمنین

از حضرت حق بهر ما، فیض سعادت را بگیر  
اذن حسینی گشتن و فرزق شهادت را بگیر

مادر دعا کن تا شویم، همراه اهل جبهه‌ها  
آخر شویم با یا حسین، آله‌ای در کربلا

## محسن مهدوی

مرو مرو یا زهرا، مرو مرو یا زهرا...  
فاطمیه او مد مادرم بستری  
سینه میزنه هر کسی که حیدری  
لباس سیامو ببینید خاکی شده  
آره گمونم ارثیه ی مادری

شد دم آخر، راهیه کوثر، ذکر لبای حسنین مرو مادر  
مرو مرو یا زهرا...



همه امیدم این که مادرمی  
شکر خدا که سایه بالا سرمی  
تا روز قیامت آگه من گریه کنم  
بخدا کمه چون هنوزم بی حرمی

داره می خونه، اون عاشقونه، این صدای گریه های اربابمونه  
مرو مرو یا زهرا...

## پیمان طالبی

فاطمیه سند بیداری ست  
درس آزادگی و دینداری ست  
فاطمه غم پر آلام است  
فاطمه شرف اسلام است

باز درس ولایت و حق طلبی... وای  
باز گریه و ناله نیمه شبی... وای  
وای مادر مادر

فاطمه جان به کف ایمان است  
کوثر است و همسرش قرآن است  
اولین مدافع عصمت اوست  
ابر پرکرامت رحمت اوست  
خویش را به همت عادت داده‌ست  
بر همه درس ولایت داده‌ست

آه پیرو مکتب و راه ولی... وای  
آه جان تو گشته فدای علی ... وای  
وای مادر مادر

فاطمه شبیه شمع می سوزد  
شیعه از فاطمه می آموزد  
بر لبش شور و نوا خواهد کرد  
از حرم به جان دفاع خواهد کرد

آه جان به کفم به هوای حسین... وای  
آه رهرو مکتب پیر خمین.... وای

وای مادر مادر

## پیمان طالبی

پرستوهای دل شکسته بیاین بریم مدینه  
هنوز تو و کوچه‌هاش مادر شاید نقش زمینه

مادر

تجلی بیداری / برای حیدر یاری / همیشه پرچم داری

مادر

معنی عزت بودی / ابر کرامت بودی / شکوه عفت بودی

مادر ۳

مادر یافطمه یا زهرا

□

بهار خونه پیمبر چرا توی خزونه  
تموم درد این روزاشو فقط علی میدونه

مادر  
هم دلی و هم دلبر / شهید راه حیدر / پا در رکاب رهبر  
مادر  
میگیرم از تو این بار / درس وفا و ایثار / بشم براتون عمار  
مادر ۳  
مادر یفاطمه یا زهرا



## حسین صیامی

ای نام تو ذکر هر روز و شبم  
از ساغر عشق تو لبالبم  
دل بیقرارت میشه یا فاطمه  
تا ذکر یازهرا میاد رو لبم

احسن الاحواله عشق تو  
افضل الاعماله عشق تو  
اشک فاطمیه مو میدی  
روزی هر سال عشق تو

توو دنیا فقط  
عشقت یارمه  
نوکری تو  
افتخارمه

یازهرا مدد

عرش خدا خونه ساده تو  
شیر خدا تنها دل داده تو  
جون ناقابل ما نذر شماس  
ما هستیم لشکر آماده تو

با تو که هستم سر به راهم  
سایه چادرت پناهم  
مادر احسان القدیمی  
مادری کردی واسه ما هم

عشقت رو دارم  
پس غصه م چیه؟  
دردم اینه که  
قبرت مخفیه

یازهرامدد

ما که خاک پاهای همسرتیم  
افتخارمون اینه نوکرتیم  
کل دنیا رو بروی ما باشه  
مدافع حریم دخترتیم

مرد میدون دل‌های آگاه  
پشت هم با اذن تاراالله  
خوش بحال عاشقایی که  
جونشونو دادن توو این راه

حرفم اینه که  
مادر کرم  
جونمو بگیر  
در راه حرم  
یا زهرا مدد

## جواد الهی پور

قرار قلب خسته‌ام  
به بودنت وابسته‌ام  
بمان کنارم  
ای آفرینش را نگین  
ای عرشِ بالا نشین  
مرو قرارم

می‌روی  
ولی چرا شبانه  
بال و پر  
مکش ز آشیانه  
دارم از  
داغت به دل نشانه

فاطمه

مرو حبیب حیدر

صبر و قرارم می‌رود  
دار و ندارم می‌رود  
زاز دستم امشب  
ای جان و از جان به‌ترم  
جانم ز داغت یاورم  
رسیده بر لب

بوده‌ای

علت خلق عالم

می‌روی

امانت پیمبر

رفتنت

آغاز داغ حیدر

فاطمه

مرو حبیب حیدر

ای یار هجده ساله ام  
بنفشه ام... آلاله ام  
خدانگهدار  
گرچه ز غم آکنده است  
بعد تو حیدر زنده است  
به شوق دیدار

الوداع  
مدافع ولایت  
الوداع  
کردی زمن حمایت  
الوداع  
فدای ناله های

فاطمه  
مرو حبیب حیدر  
دیده ی گریانم بین  
موی پریشانم بین  
نخورده شانه  
شانه نمیخواهم دگر

ولی تورا جان پدر  
نروز خانه

کوچکم  
برای خانه داری  
می روی  
منم و بی قراری  
می شوم  
دگر ابر بهاری

مادرم  
مرو مرو ز خانه

مادر پس از آن ماجرا  
دگر ز بابایم چرا  
گرفته‌ای رو  
باشد به آغوشم نگیر  
ولی نزن ماهِ منیر  
گره به ابرو

می‌روی  
ای تکیه‌گاه زینب  
می‌روی  
پشت و پناه زینب  
می‌روی  
پیش‌نگاه زینب

مادرم  
مرو مرو ز خانه

وعده‌ی مادر کربلا  
بر سر نعش سر جدا  
غوغای گودال  
ظهر عطش در شور و شین  
گریه کن از داغ حسین  
بالای گودال

تو شدی  
شهیده‌ی ولایت  
بعد تو



من راوی شهادت  
راه ما  
باقی‌ست تا قیامت

مادرم  
مرو مرو زخانه

## اسماعیل شبرنگ

تو رو دارم و غمی ندارم  
که به عشق پاک تو می نازم  
کی می گه حرم نداری مادر  
تو دلم ضریح برات می سازم

عزای تو رو دارمو  
می دونی دل زارمو  
پای غم تو می شکونم امشب  
کسی که به تو روزده  
می بینی که حالش بده  
تو خونه‌ی تو مهمونم امشب

فاطمه مادرمه ...  
سایه‌ی چادرش رو سرمه ...

کاش بیاد روزی رو که ببینیم  
ورودی حرم تو بازه  
ببینیم که فرشچیان یه روزی  
ضریجی برای تو می سازه

آرزی من همینه  
روزی می رسه مدینه  
صاحب بین الحرمین می شه  
روزی می رسه که آخر  
حرم قشنگ مادر  
صاحب یک باب الحسین می شه

فاطمه مادرمه ...  
سایه‌ی چادرش رو سرمه ...

جمعه‌ای می رسه که آقامون  
فاتح پهنه‌ی دنیا باشه  
خوبه که دلای هرشب ما  
فرج مهدی زهرا باشه

خدا می دونه خط به خط  
عجینه همیشه فقط  
حال و اوای شهدا بامن  
سفره‌ی کرم با شما  
جواز حرم با شما  
بی سر شدن تو کربلا با من

فاطمه مادرمه ...  
سایه‌ی چادرش رو سرمه ...

# نوای پایانی

(فایل صوتی نوحه‌ها در لوح فشرده و سایت هیات رزمندگان اسلام: [www.eHeyat.com](http://www.eHeyat.com))



## یوسف رحیمی

دارم از تو، این شور و حالِ مو مادر، اشک ز لالمو مادر  
دارم از تو، هیئتی بودنو مادر، از تو سرودنو مادر

نگام کردی، دیدی از زمونه خسته‌م  
صِدام کردی، که به غم تو دل بستم  
جدام کردی، از بدی‌های این عالم  
دعام کردی، که حالا با شما هستم

«ذِکْرَمِ اَیْنِه شام و سحرگاه  
أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ»

□

به لطف تو، هم نور ولایت دارم، هم شور شهادت دارم  
به لطف تو، فدایی ولی هستم، همیشه با علی هستم

یا فاطمه، تو ذره پروری کردی  
یا فاطمه، همیشه مادری کردی

تا اون آخر، آگه با رهبری هستم  
تو از اول، دلمو حیدری کردی

«شهادته پایان این راه  
افوض امری إلی الله»

□

می خوام باشم، اسیر نور عین تو، فدایی حسین تو  
می خوام باشم، عاشقی با وفا مادر، شبیه شهدا مادر

جوونایی، با رنگ و بوی تو مادر  
جوونایی، همه مته علی اکبر  
همونا که، گمنام و بی نشون رفتن  
همونا که، به عشق تو می دادن سر

«از فراقشون بر لبم آه  
افوض امری إلی الله»



□

دعایی کن، سخته بی‌قراری مادر، این چشم انتظاری مادر  
دعایی کن، برسه روز هم عهدی، بیاد آقای ما مهدی

میاد آخر، قیامتی می‌شه برپا  
میاد آخر، حق شما می‌شه احیا  
میاد آخر، با ذوالفقار مولایی  
میاد آخر، منتقم تو یا زهرا

«میاد تو شب غم مته یمه  
افوض امری إلی الله»

## امیر عباسی

دار و ندار علی، ای کوثر بی همتا  
السلامُ علیک، یا صدیقَهَ الکبری

در حشر و میزان و روزِ وانفسا  
اشْفَعِ لِي يَا اِنْسِيَةَ الْحُورَا

یا زهرا یا زهرا زهرا یا زهرا...  
گویم از آن روزی که، مبتلای تو شدم

خوشا به سعادت‌م، که گدای تو شدم  
به یادت گوهر از دیده فشانم

أنا اعطیناک الکوثر بخوانم  
بشریت گرفته، از تو نور هدایت

درس آزادگی و، حمایت از ولایت  
با ذکر یا ثارالله و یا حیدر

می‌مانیم تا آخر سرباز رهبر  
یا حجت بن الحسن، ای آرزوی دل‌ها

العجل یا مولانا، به حق نام زهرا  
می‌شود ای ولی الله اعلا

با ظهورت قبر گمشده پیدا  
یا مهدی یا مهدی یا اباصالح...

## اسماعیل شبرنگ

لبریز ارادتیم سرباز ولایتیم  
محتاج کرامت و مشتاق شهادتیم

حسین

ذکر سربند جنونم

حسین

گرمابخش رگ و خونم

حسین

ای ارباب مهربونم

خروش بی امان دریاییم  
فدایی حسین زهراییم

لیک یا حسین

پروازم تا فاطمه ست مادر ما فاطمه ست  
همنفس با شهدا ذکر ما یا فاطمه ست

من و  
چشمی که خوشی ندیده  
من و  
قلبی که به خون تپیده  
من و  
داغ مادری شهیده

گریه کن‌ام ایهاییم  
سینه زنان داغ زهراییم

مادرم فاطمه س

دلها مون خداییه این شب‌ها هواییه  
پر می‌گیره تا خود فکّه و طلاییه

می‌خوام  
مثل آوینی و چمران  
منم  
همرکاب جمع یاران  
بشم  
فدای ماه خراسان

با شهدا پیمان خون بستیم  
فدایی سید علی هستیم

لبیک یا علی

مثل بارون بهار چشمای خسته بیار  
از دوری و بی‌کسی در شب‌های انتظار

بیا  
ای که صاحب عزایی  
تو که  
استجابت دعایی  
بیا  
یوسف زهرا کجایی

ای همه‌ی امید ما برگرد  
بالشکری از شهدا برگرد

یاین زهرا بیا

